

مقدمه بر شناخت نوروز

مرتضی - هنری

یکم - پیش گفتار

پیش از انسان ، خورشید بود ، وزمین بود . زمین برگرد خود می گشت ، و برگرد خورشید نیز . که این قانون آفرینش بود ، و آفریننده خواسته بود ، وزمین و خورشید ذره هائی از بی تمامی کیهان .

انسان آمد . بر زمین نشست . از آن هنگام که اولین دم فرو برد ، و بر آورد و اندیشید - چون وجود داشت - و از نخستین گاه که زیستن آغاز کرد ، طبیعت را و محیط را ، با خود و در برابر خود دید .

خورشید را دید که بر آمد . انسان هر چشم که بر هم زد ، خورشید را دید که پیش تر آمد و بالاتر . و بعد فرو شد ، شب شد ، و صبح باز آمد .

در هر نقطه از زمین ، اگر انسانی بود ، روز را ، و شب را - و این تکرار و توالی را - و مدت شب و روز را به گونه ای دید ، که محیط و طبیعت آن نقطه خواسته بود . اما به هر گونه که بود ، توالیش در یاد انسان ماند . و این همه تعبیر و توجیه را از زمین و خورشید و طبیعت ، در ادیان و اساطیر و فلسفه ، از نیروی کنجکاوی ، علت خواهی و علت جوئی انسان داریم . تا برسد به توجیه علمی از همه پدیده ها .

انسان دید که بسیاری پدیده های محیطی و طبیعی تکرار میشود . و این تابع نظمی دقیق - و بسیار دقیق - است .

یک وقت باران می بارد ، گیاهان می رویند ، میوه هائی خاص بیرون می آیند . بعد هوا کم کم گرم می شود . پس از چندی برگها می ریزند . بعد سرما و برف و بوران است . سپس دوران سرما به سر می آید و گلها می شکفند .

در هر نقطه این توالی به گونه ای است . چه هر منطقه از زمین قلمرو عوامل طبیعی خاصی است ، که شرایط ویژه ای را می آفریند . اگر تابستان در ایران فصل خشکی و سوزندگی است در هند و چین هنگام باران های موسمی است .

برای تقسیم زمان ، بشر طبیعت را به کار گرفت ، و قراردادهای را بر اساس آن بنیان کرد . و از این جا ، در این خاك داریم « سال شمسی » یا « خورشیدی » را که برگردش خورشید نهاده است . چشم بر اندیشه ی بلند « ابوریحان بیرونی » است ، که می گوید : « سال طبیعی عبارت است از آن مدت که اندر او یکبار گردش گرما ، و سرما ، و کشت و زه به تمامی بود . و آغاز این مدت از بودن آفتاب است از فلک البروج تا بدو باز آید . و زینجهت به آفتاب منسوب کرده آمد این سال^۱ . » سال ایرانی در قدیمی ترین شکل خود به دو قسمت تقسیم میشده : زمستان ده ماهه = زم ، و تابستان دو ماهه = هما^۲ که به اعتقاد . . . هارلز (Charles de Harlez) این تقسیم هند و اروپائی

۱ - التفهیم لاوائل صناعة التنجیم ، ابوریحان بیرونی ، تصحیح جلال همائی ، ص ۲۱۱ .

است . و آن گاه که آریائی‌ها در ایران زمین ساکن شدند ، این فصل به تابستان هفت ماهه وزمستان پنج ماهه تغییر کرد . چه در این سرزمین فصل گرما از فصل سرما بمدت افزون‌تر است . به اعتقاد مرحوم تقی‌زاده « سال ایرانی از اول بهار شروع می‌شده است »^۳ و هر سال به « چهار فصل سه ماهه تقسیم می‌شده که اسامی آن‌ها به پهلوی چنین است : وهار (= بهار) ، هامین (= تابستان) ، پاتیر (= پائیز) ، وزمستان »^۴ .

در تقویم اوستائی هر سال دوازده ماه بوده و هر ماه سی شبانه روز . پنج روز هم - بی آنکه در حساب ماه آید - به آخر یکی از ماه‌ها افزوده می‌شد ، که « وقتی در آخر ماهی بوده ، که قبل از دی‌ماه واقع بوده است » .

این پنج روز را نام‌های مختلفی است :

اندر گاه « یا گاه » ، « وهیجیک » ، « وهیزک » ، « بهیزک » ، « پنجه دزدیده » و « خمسه مسترقه » .

در بعضی مناطق ایران که هنوز حساب عمرشان را با « گاه شماری » سنتی ایرانی میدارند ، پنجه اندر گاه را به حساب می‌آورند ، بویژه درمازندران .

« ایرانیان شنبه و آدینه نداشتند و « شنبه » یا « شنبد » يك واژه بابلی است که به دستگیری تازیان به ایران رسیده است »^۵ و هر دوازده ماه نزد آنان بی کم و کاست سی روز بود و هر روز بنام یکی از ایزدان خوانده میشد :

روز اول هرماه	=	هرمزد
روز دوم هرماه	=	بهمن
روز سوم هرماه	=	اردیبهشت
روز چهارم هرماه	=	شهریور
روز پنجم هرماه	=	اسفندارمذ
روز ششم هرماه	=	خرداد
روز هفتم هرماه	=	مرداد
روز هشتم هرماه	=	دی به آذر
روز نهم هرماه	=	آذر
روز دهم هرماه	=	آبان
روز یازدهم هرماه	=	خور
روز دوازدهم هرماه	=	ماه
روز سیزدهم هرماه	=	تیر
روز چهاردهم هرماه	=	گوش (جوش)
روز پانزدهم هرماه	=	دی به مهر
روز شانزدهم هرماه	=	مهر
روز هفدهم هرماه	=	سروش
روز هجدهم هرماه	=	رشن
روز نوزدهم هرماه	=	فروردین
روز بیستم هرماه	=	بهرام
روز بیست و یکم هرماه	=	رام
روز بیست و دوم هرماه	=	باد
روز بیست و سوم هرماه	=	دی به دین
روز بیست و چهارم هرماه	=	دین
روز بیست و پنجم هرماه	=	ارد

روز بیست و هشتم هرماه	=	اشقاد
روز بیست و هفتم هرماه	=	آسمان
روز بیست و هشتم هرماه	=	زامیان
روز بیست و نهم هرماه	=	مهر اسفند (مارا سفند)
روز سیام هرماه	=	انیران

نام هر روز که با نام ماه برابر می‌شد، جشن می‌گرفتند. چون جشن تیرگان که در تیر روز از تیرماه بود (۱۳ تیرماه) و مهرگان که مهر روز از مهرماه بود (۱۶ مهرماه).
نوروز از هر مزد روز از فروردین ماه آغاز می‌شد. بدان گونه خواهد آمد.

دوم - نوروز، روز نو

«والعصر». قرآن به «زمان» سوگند می‌خورد، که انسان ناآگاه «درزبان» است. چه انسان به زمان بسته است، و باید که حساب ماه و سال نگهدارد. این گذار و گذر را بشمارد، و به آن بیندیشد.

ایرانی آگاه به زمان، «نوروز» را در آغاز سال، و آغاز گردش طبیعت می‌گذارد؛ و جشن می‌گیرد، و پای می‌کوبد که «هان، هان، هان» سالی دیگر گذشت زندگی نوکن و کهنگی‌ها به سال کهنه وا بگذارد.

تقویم^۶ همیشه در دسترس همگان نبوده، بدین گونه که امروز هست. و جشن‌های زمانی (ماهانه و سالانه) بدان جهت است که تقویم و تاریخ را یادآور شوند.

«واژه جشن از ریشه «یز - yaz» به معنی نیایش و پرستش است»^۷ و «جشن نوروز» نیایش در روز نو است و سپاس این که سالی دیگر از زندگی آغاز شد که «سر سال»^۸ است و «پیشانی سال نو... و اعتقاد پارسیان اندر نوروز آن است که اول روزی است از زمانه، و بدو فلک آغازید گشتن»^۹.

اندیشه نیرومند و بلند ایرانی «نوروز» را آغاز زندگی می‌خواهد و شروع هر پدیدهای مهمی را بدین روز منسوب میدارد، بدین گونه که می‌آید:

آفرینش = این که خداوند آسمان و زمین و روشنائی و آب و گیاه و جانور و آدمی را درشش روز آفرید، در کتب آسمانی از اساطیر به اعتقادات پیوسته است.

در قرآن نیز آمده که «خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ»^{۱۰} (خداوند آسمان و زمین را درشش روز آفرید).

در آئین زرتشت اعتقاد بر این است که اهورامزدا جهان مادی را درشش بار آفرید، که آن را «شش‌گاهان‌بار» گویند. باید که مردم جشن بگیرند و خدا را ستایش کنند.

ترتیب «گاهان‌بار» های شش‌گانه چنین است^{۱۱}:

- ۲ - گاه شماری، سیدحسین تقی‌زاده، ص ۴۴.
- ۳ - گاه شماری، سیدحسین تقی‌زاده، ص ۶۴.
- ۴ - گاه شماری، سیدحسین تقی‌زاده، ص ۴۵.
- ۵ - آناهیتا، ابراهیم پورداود، امیرکبیر، ص ۲۵.
- ۶ - تقویم = روزشمار، ماه شمار، سال شمار.
- ۷ - مجله تماشا، دکتر بهرام فره‌وشی، شماره ۹۶، ۵ بهمن ۱۳۵۱.
- ۸ - زین‌الاجبار - گردیزی.
- ۹ - التفهیم ابوریحان بیرونی.
- ۱۰ - قرآن مجید، سوره اعراف، آیه ۵۲.
- ۱۱ - ترتیب و چگونگی «گاهان بارها»، از مجله هنر و مردم شماره ۱۰۴ مقاله نوروز، از علی سامی نقل شده است.

- ۱ - گاهان بار « مدبه زرمی madhy zarmaya » (میدبوزرم) که ۴۵ روز پس از آغاز سال است، در آن «آسمان» ها آفریده شد و از ۱۱ تا ۱۵ اردیبهشت است.
- ۲ - گاهان بار « مدیشم madhyasama » (میدبوشم) از ۱۱ تا ۱۵ تیرماه جشن گرفته میشود. با این اعتقاد که شصت روز پس از اولین گاهان بار به روز ۱۵ تیرماه «آب» آفریده شد.
- ۳ - گاهان بار « پتیش ههپی patishahya » (پتیه شهیم) مراسم این گاهان بار از ۲۶ تا ۳۰ شهریور برپا میشود. چه اعتقاد بر این است که هفتاد روز بعد از دومین گاهان بار « زمین » خلق شد.
- ۴ - گاهان بار « ایه ثرم ayathrema » که در این گاهان بار - یعنی ۳۰ روز بعد از « گاهان بار سوم » - روئیدنی ها آفریده شد، که از ۲۶ تا ۳۰ مهر جشن گرفته میشود.
- ۵ - پنجمین گاهان بار، گاهان بار « مده یاری madahayârya » (مید یارم) است، که هشتاد روز بعد از « گاهان بار ایه ثرم » است، و در آن جانداران و حیوانات آفریده شدند و مراسم مربوط به آن از ۱۶ تا ۲۰ دیماه برپا می شود.
- ۶ - آخرین گاهان بار « همس پت میدهی hamas pat maydhaya » (همسپدرم) نامیده می شود. مدتش ۲۰ روز است. از ۲۶ اسفند آغاز میشود، و با احتساب پنج روز اندرگاه تا نوروز ادامه می یابد، و هفتاد و پنج روز بعد از پنجمین گاهان بار است.
- گویند که در این گاهان بار «انسان» آفریده شد. و چون آفرینش انسان به پایان آمد اعتدال ربیعی بود و آن روز «نوروز» نامیده شد، که به نام «هورامزدا»^{۱۲} منسوب است، از ماه «فروردین» که ماه «فرور» های نیکان است. و «زردشت که مغان او را به پیغمبری دارند، ایشان را فرموده است بزرگ داشتن این روز را (= مهرگان) و روز نوروز را»^{۱۳} و ازین جا می بینیم مدعی دکتر بهرام فرهوشی را که «در اصل نوروز جشنی است که به مناسبت آفرینش نژادها برپا میشود و از این رو در کشور های دیگر از جمله در یوگسلاوی این جشن نوروزی با مراسم خاص پنهانی و رمزی در ۲۲ آوریل گرفته میشود». اما در ایران مراسم جشن نوروزی نه تنها پنهانی و رمزی نیست، بلکه همگانی و همه جایی است و بزرگترین نشانه ملیت و وحدت فرهنگی ایران است. از آغاز پیدائش در برابر همه طوفانهای تاریخ نلرزیده و کاستی نیافته است و حتی مراسم مذهبی را نیز به مقتضای زمان به دنبال خود کشیده است.
- اندیشه‌ی وحدت‌گرای ایرانی جشن بزرگ نوروز را در سرتاسر ایران زمین گسترش داده، اما آن را ویژه‌ی خود و در انحصار خود نداشته است. چنانکه «سال و ماه سعده‌ها و خوارزمی‌ها در مشرق و کاپادوکی‌ها و ارمنی‌ها در مغرب ایران که به دست ما رسیده است عیناً و بدون کم و زیاد همان سال و ماه ایرانی است»^{۱۴} که نوروز در آغاز آن قرار دارد. و «امروز هم در عراق و ترکیه در میان کردان خارج از ایران هنوز جشن نوروز معمول است و از سوی دیگر در جمهوری‌های اسلامی، اتحاد جماهیر شوروی، مخصوصاً در آذربایجان و ترکمنستان و تاجیکستان و ازبکستان هنوز نوروز جشن واقعیت که هر سال با همان آداب و سنن مخصوص خود در خانواده‌ها گرفته میشود»^{۱۵}. آخر نوروز جشن آفرینش انسان است و چه فلسفه‌ای برتر از این که در فرهنگ عظیم و اصیل و جاودان ایرانی آفرینش انسان جشن گرفته میشود. و تاریخی نیز بر آن نمی توان شمرد، همچنان که بر این فرهنگ و این قوم.
- ابداع: همان گونه که آمد، انسان ایرانی میخواهد که آغاز هر مهمی و هر ابداعی در نوروز باشد، و منسوب به آن. به شواهدی چند نظر میافکنیم:
- ۱ - «عید بودن نوروز را چنین گفته اند که چون جمشید برای خود تخت ساخت، در این روز بر آن سوار شد، و جن و شیاطین آن را حمل کردند و به يك روز از کوه دماوند به بابل آمد و مردم برای دیدن امر در شگفت شدند و این روز را عید گرفتند»^{۱۶} و می بینیم «پرواز» که آرزوی جاودانه انسان بوده، در این روز بر آورده میشود.
- ۲ - گویند که نیشکر را جمشید در این روز پیدا کرد و فرمود تا از آن شهد و شکر ساختند

و مردم آن را برای هم هدیه فرستادند.

۳ - گروهی نیز نوروز را جشن احیای دید میدانند، این اعتقاد را ابوریحان هم آورده، چنان که گویند: «برخی از علماء ایران میگویند، سبب این که این روز را نوروز گویند، این است که در ایام تهمورث صائبه آشکار شدند و چون جمشید به پادشاهی رسید دین را تجدید کرد و این کار خیلی بزرگ بنظر آمد و آن روز را که روز تازه‌ای بود جمشید عید گرفت اگرچه پیش از این هم نوروز، بزرگ و معظم بود»^{۱۷}.

۴ - در دوره‌ی اسلامی نوروز را به سلیمان پیامبر نسبت داده‌اند و گفته‌اند که چون وی انگشتری خود را گم کرد، پادشاهی بدبگونه از دستش بیرون رفت. و پس از چهل روز آن را باز یافت. و فرعی پیشین به او بازگشت و پادشاهان ترد او رفتند و مرغان به او بازگشتند و ایرانیان گفتند «نوروز آمد».

۵ - بعثت: نوروز در آئین زردشت، جشن مذهبی هم هست، چه معتقدند که خرداد روز از فروردین ماه روز تولد برگزیده شدن زردشت پیغمبر بزرگ ایران باستان است.

۶ - نوروز در اعتقادات اسلامی: نوروز به اعتقاد شیعیان روزی است که حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام امام اول و بزرگ مرد اسلام به جانشینی حضرت محمد (ص) برگزیده شد و بر مسند خلافت نشست. چه روز غدیر خم سال ۱۰ هجری که حضرت محمد (ص) حضرت علی را به جانشینی خود به مسلمانان معرفی کرد، مطابق بود با ۲۹ حوت، و روز چهارم از خمسه‌ی مسترقه، و بنابراین اولین روز امامت آن حضرت برابر می‌افتد با روز اول فروردین^{۱۸}.

برای توجه بیشتر اعتقادات مردم اردبیل را می‌آوریم:
در دهات مجاور و در شهر اردبیل مردم معتقدند که: در نخستین روز سال نو، امیرالمؤمنین علی (ع) عرش بر تخت سلطنت جلوس کرد و برگردن یزید لعین لگام زد. در این روز نو شربت‌های شیرین و گوارا به جای آب درجوی‌های بهشت روان میشود و در حرم قدس الهی دوستداران علی (ع) و یاران حضرت حسین (ع) و دیگر پیشوایان دینی شادمانی میکنند
در این هنگام در عالم علوی جبرئیل پیک نوروز است و قاصد حلول سال نو. وقتی که جبرئیل پیام نوروز را به حضرت محمد (ص) می‌رساند، پیغمبر خدا، از درگاه باری تعالی مسألت مینماید تا این سال نو بر بندگان راستین او مبارک باشد»^{۱۹}. این خود میتواند نمایشگر ریشه‌های بسیاری باشد، که در اعتقادات مذهبی میتوان یافت. و هم نشانه‌ای است بر قدرت جشن نوروز، که هزاران سال است بر پای ایستاده، و سیلاب‌های زمان تنها غبار سالیان از چهره‌اش پاک کرده‌اند. همچون اشک که گرد و خاک از چشم میشود.

سوم - نوروز، جشن آغاز مردم انسانی و مطالعات فریبی

به هرتقدیر، و به هراعتقاد، نوروز جشن شروع گردش طبیعت است. و «سر سال» و «پیشانی سال نو»، که میتوان گفت از آن زمان که ایرانیان گردش سال را و گردش طبیعت را یافتند، نوروز را در آغاز آن نهادند. «خیام» این کشف را از جمشید میدانند:

- ۱۲ - روز اول هر ماه را «هرمزد» روز می‌نامیدند.
- ۱۳ - زین‌الخبار گردبزی، ص ۲۴۴.
- ۱۴ - گاه‌شماری، سیدحسن تقی‌زاده، ص ۷.
- ۱۵ - نوروز، سعید نفیسی، مجله پیام نوین سال اول شماره هشتم، ص ۸۴.
- ۱۶ - آثارالباقیه ابوریحان بیرونی. اکبر داناسرشت، ص ۲۴۲.
- ۱۷ - آثارالباقیه ابوریحان بیرونی. اکبر داناسرشت، ص ۲۴۲.
- ۱۸ - مجله کاوه، سال اول، شماره ۵ و ۶، صفحه ۳ و کتاب «عقاید و رسوم مردم خراسان» ابراهیم شکورزاده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، صفحه ۷۷.
- ۱۹ - هنر و مردم، شماره ۵۳ و ۵۴، پیکهای نوروزی، جابر عناصری.

« اما سبب نهادن نوروز آن بوده است که چون ندانستند که آفتاب را دو دور بود، یکی آنک هر سیصد و شصت و پنج روز و ربعی از شبانه روز به اول دقیقه حمل باز آید، بهمان وقت و روز که رفته بود، بدین دقیقه نتواند آمدن چه هر سال از مدت همی کم شود و چون جمشید آن روز را دریافت نوروز نام نهاد و جشن آئین آورد و پس از آن پادشاهان و دیگر مردمان بدو اقتدا کردند»^{۴۰}.

ایرانیان هر آغازی را جشن میگیرند و نوروز که بزرگترین آغاز است، بزرگترین جشن است با اصیلترین سنتها و مراسم جاودانه.

در «الاشت» و «سما» از روستاهای مازندران در روزهای اول هر ماه هم مراسمی است، که در «الاشت» «مارمه» (mâr me) و در «سما» «مارما» (mâr mâ) نامیده میشود، یعنی «مادر ماه».

«آلاشتی»ها اولین روز پتک (بنجه اندرگاه) را نیز «پتک مارمه» (petak mâr me) میگویند. آن کسی که در اولین روز ماه به خانه‌هاشان می‌آید باید که خوش قدم و خوش شگون باشد، همچنان صبح نوروز.

در «الاشت» به پسری که برایشان خوش‌یمن است و اول هر ماه به خانه‌شان می‌آید «شهین» (sehin) می‌گویند^{۴۱}.

و نماز اول ماه و نماز عید فطر را هم در اسلام از همین دست داریم، که در دستورات دینی سفارش بسیار بر آن شده است و نیایش است در اول ماه. و نماز در صبح عید فطر که بعد از ماه رمضان است و پایان ماه عبادات و آغاز سالی به آرامش. که این هم خود نگهداری حساب زمان است، تا بر آغاز و انجام هر ماه آگاهی‌شان باشد.



۴۰ - نوروزنامه، حکیم عمر خیام، صفحه ۲.

۴۱ - الاشت، هوشنگ پورکریم، انتشارات اداره فرهنگ عامه، صفحه ۷۱، و نوروز درسا، هوشنگ

پورکریم، مجله هنر و مردم، شماره ۶۶، صفحه ۱۹.